



جلت عالم وجاهد ه اندیشمند ف، انه آیت: الله "سید عبدالرضا حسینه، شهستانه." (1376 ش)، آیت: الله حاج سید عبدالرضا حسینی شهرستانی در سال 1299 ش (1339 ق) در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و سطوح حوزه، درس خارج خود را در محضر آیات عظام: سید محمد هادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سید عبدالحسین حجت و شیخ مرتضی آشتیانی سپری کرد و مدارج ترقی علمی را پیمود. آیت: الله شهرستانی علاوه بر تحصیل و تدریس، به اقامه جماعت در صحن حسینی (ع) و پاسخگویی به مسائل دینی می: پرداخت و راهنمایی و ارشاد مردم را سرلوحه فعالیت: های خویش قرار می: داد. وی در برابر نفوذ و تبلیغات فکری و سیاسی و ایجاد شبهات دینی از سوی حزب کمونیست و چپ: گرایان عراق، ایستادگی می: کرد و به منظور استحکام بنیان: های فکری جوانان، با همکاری جمعی از اندیشمندان شیعه مجله پاسخ به مسائل دینی را منتشر نمود. او در آن مجله با کمک دیگر اندیشمندان، به صدها پرسش فکری و اعتقادی جامعه پاسخ می: داد و حوزه خوانندگان خود را به فراسوی مرزهای عراق گسترانید. دامنه نفوذ این مجله، رژیم بعث را به واکنش واداشت. از این رو پس از آزار فراوان و حبس فرزندش، او را از عراق بیرون کردند. از آن: پس در سال 1350 ش به مشهد هجرت کرد و به امور دینی و مذهبی پرداخت. ایشان مؤسسات خیریه و عام: المنفعه متعددی را تأسیس کرد و کتب گوناگونی را به رشته تحریر درآورد که المهدی الموعود، حاشیه بر قوانین، حاشیه بر معالم، نوروز در اسلام... از آن جمله است. سرانجام آن عالم بزرگوار و خادم دین در 11 مرداد 1376 ش برابر با 27 ربیع الاول 1418 ق 77 سالگی در مشهد رحلت کرد و در صحن آزادی حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

سقطه قلعه: ی: شهر بخارا، در مقابل حملات سپاهیان مغول (616 ق)، چنگیزخان مغول در ادامه: ی: کشورگشایی: های خود در ذی: الحجّه سال 616 ق به بخارا رسید و پس از سه روز محاصره، آن شهر را فتح کرد و آتش زد. چون بنای خانه: های بخارا از چوب بود، همه: ی: آن: ها به جز چند سراي و مسجد که از آجر ساخته بودند، بقیه از میان رفت. چنگیز آن شهر را غارت و مردم آن را قتل: عام کرد. وی سپس جوانان بخارا را به صورت لشکری انبوه و غیرمنظم با خود برد و از ایشان در کارهای غیرنظامی مانند پرکردن خندق: ها و آوردن سنگ و چوب جهت انباشتن رودخانه: ها و کارهای دیگر استفاده می: کردند. چنگیز در بخارا چنان کشتار و خرابی کرد که چون یکی از فراریان آن شهر را درباره: ی: این حادثه پرسیدند گفت:

آمدند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند.  
تولد "هرمان ملو،" داستان: نه: س، و شاعر برجسته آلمانی (1819م) هرمان ملویل، آدیب معروف آمریکایی در اول اوت 1819م از پدری انگلیسی و مادری هلندی در نیویورک آمریکا به دنیا آمد. ورشکستگی و مرگ پدر و عطوفت مبالغه: آمیز مادر موجب شد که ملویل سراسر عمر را در کشمکش: های روحی - احساسی به سر برد و این مسائل در آثارش انعکاس یابد. هرمان از نوجوانی دارای شوق حادثه: جویی گردید و در نوزده سالگی به عنوان یک ملوان ساده، کار بر روی کشتی را آغاز کرد. اما زندگی دشوار در بندر، رفتار خشونت: آمیز فرماندهان و سختگیری همکارانش، اولین سرخوردگی: ها را در او پدید آورد. وی در طی سفرهای بعد تصمیم گرفت تا ماجراهای مسیر را یادداشت کند که این امر به نگارش دو کتاب خاطرات انجامید. وی در این کتاب: ها، خاطره: های دل انگیزی مطرح می: نماید و شوق خود را به افق: های دور دست و شکوه و جلال بکر و وحشیانه طبیعت نمودار می: سازد؛ شکوهی که حتی از قلمرو افسانه نیز پا فراتر گذارده و به فضای نامتناهی رسیده است. این دو کتاب، پیروزی و موفقیت زیادی به دست آوردند و ملویل با خلق داستان: های مربوط به دیار دور دست و بیگانه، مبتکر شیوه ادبی و هنرمندانه: ای گشت که بعدها نویسندگان نام آوری از آن تاثیر پذیرفتند. وی در سال 1849م کتاب مازدی را به صورت هجوی نیش: دار از زندگی اقتصادی جامعه غرب و مذهب آمیخته با سالوس و ریا نگاشت که جنبه کنایه: ای کتاب درباره مردم پرمدعای نیویورک، مورد پسند خوانندگان قرار نگرفت. ملویل چندی بعد، شاه: کار خود، موبی دیک را نگاشت که تمثیل و نشانه: ای است از مردی عصیان: زده در برابر قدرت شرّ و مصمم به خلع سلاح کردن این قدرت و غلبه بر آن. ارزش این کتاب به سبب قصه مرموز و پیچیده و دشوار به صورت معماهای هیجان: زده، بسیار دیر شناخته شد و اظهارنظرهای انتقادی و ترجمه: های فراوانی از آن صورت گرفت. ملویل در سال 1876م داستان بزرگ فلسفی و منظوم خود را به نام کلرل منتشر کرد. کلرل شامل رؤیاهای مبهم از آشتی با عالم خلقت می: باشد که هنوز هم نامفهوم و تاریک مانده است. هرمان ملویل سرانجام در 28 سپتامبر 1891م در 72 سالگی درگذشت. ملویل امروزه به عنوان یکی از بزرگان ادب آمریکا شناخته می: شود، در حالی که به علت ابهام و جنبه: های تمثیلی و اشاره: ای آثارش، در زمان حیات ناشناخته باقی ماند.

بودند، کشور در حالی مهیای دومین انتخابات ریاست جمهوری گردید که اثر تلخی این حادثه که در نخستین سال: های پیروزی برای نظام نوپای اسلام روی داد در کام دوستان و یاران انقلاب و ملت شریف و انقلابی ایران باقی مانده بود. در این میان دومین انتخابات ریاست جمهوری، زمینه: ای فراهم آورد تا لیاقت، کاردانی و تعهد شهید رجایی پس از آن دوران تلخ حاکمیت نفاق و لیبرالیزم بر کشور، بیش از پیش آشکار گردد. با اصرار و تاکید جناح: های خط امام و معتقدان به ولایت، شهید رجایی در این انتخابات شرکت نمود و با رای قاطع و خیره: کننده مردم شریف ایران که نشانه محبوبیت وی به رغم دوران محدود نخست وزیریش بود، دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران گردید. شیرینی خاطره مراسم تحلیف و تنفیذ حکم او در حضور حضرت امام در یازدهم مرداد سال 1360 که به هنگام دریافت حکم ریاست جمهوری، در برابر مرشد و مراد خود، زانو به زمین زد، هیچ گاه از ذهن ملت شریف ایران محو نخواهد شد. شهید رجایی در دوران کوتاه 29 روزه ریاست جمهوری خود که شهید باهنر را به عنوان نخست: وزیر به مجلس

معرفي و پس از تصويب مجلس در کنار خود داشت، با تشكيل كابينه؛اي انقلابي و جوان، در صدد برآمد مشكلات ناشي از شرايط جنگي، بحران؛هاي اقتصادي، اشتغال، تورم و... كه بيشتر آنها به دليل مصروف شدن وقت مسؤولان در اختلاف با بني؛صدر لايحل مانده بود را مرتفع نمايند ولي شهادت او در هشتم شهريور همان سال، ملت ايران را از وجود اين شخصيت گرانقدر محروم ساخت و شهيد رجايي را به آرزوي ديرين خود رساند.